

جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی

زهرا محمودی کردی *

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۹)

چکیده

هرچند بحث پیرامون روابط میان تجارت و محیط زیست از حدود هشت دهه‌ی قبل آغاز گردیده، اما نزدیک به سه دهه است که این بحث تبدیل به چالشی جدی میان متخصصان هر دو حوزه شده است. در این بین نظرات و تئوری‌های متعددی پیرامون روابط میان این دو حوزه از حقوق بین‌الملل بیان شده است و از آنجایی که سازمان تجارت جهانی مؤثرترین و اصلی‌ترین تنظیم‌کننده‌ی روابط تجاری در سطح بین‌المللی است، مقررات و نحوه‌ی عملکرد این سازمان از نگاه منتقد طرفداران محیط زیست پنهان نمانده است. در حالی که «WTO» فاقد یک موافقت‌نامه‌ی اختصاصی در رابطه با محیط زیست است، اما اکثر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش این سازمان دارای ضوابط زیست محیطی هستند که طبق آن ضوابط، کشورهای عضو می‌توانند اقداماتی در رابطه با حفاظت از محیط زیست انجام دهند. در کنار این ضوابط می‌توان به عملکرد زیست محیطی برخی از ارکان و نیز مقررات نهادین WTO نیز اشاره داشت.

این مقاله به دنبال نشان دادن جایگاه کنونی محیط زیست در «WTO» و جایگاهی است که باید به این مقوله‌ی مهم اختصاص داده شود، هدف آن راهکاری که بیان‌گر جایگاه شایسته‌ی محیط زیست در WTO باشد، روشی که WTO با پیروی از آن بتواند به بهترین شکل ممکن، میان تجارت و محیط زیست آشتی و سازش برقرار نماید و به تبع آن پاسخ‌گویی و مسئولیت بیشتر این سازمان را نسبت به مسائل زیست محیطی سبب گردد.

واژگان کلیدی: سازمان تجارت جهانی، محیط زیست، مقررات و ضوابط، مقررات بنیادین

مقدمه

مقاله‌ی حاضر، نظری اجمالی بر فعل و انفعالات میان « تجارت و محیط زیست » در سازمان تجارت جهانی دارد و هدف آن ارائه و پیشنهاد روشی برای پیشرفت این روابط است. بدین منظور مقاله به بررسی جایگاه محیط زیست در ضوابط و مقررات سازمان مزبور می‌پردازد که در خلال بررسی مذکور، برخی از خلاءها و نواقص آن مقررات آشکار می‌گردد.

مقاله به چهار بخش تقسیم شده است. بخش یک؛ مروری مختصر به تاریخچه‌ی روابط میان تجارت و محیط زیست. بخش دو؛ مروری دارد بر ضوابط زیست محیطی سازمان تجارت جهانی و به بیان دقیق‌تر، به بررسی مقرراتی از سازمان تجارت جهانی می‌پردازد که بر مسائل زیست محیطی دلالت دارند. در بخش سه؛ عملکرد زیست محیطی برخی از ارکان و مقررات نهادی سازمان تجارت بررسی شده است، از خلال مطالب مطرح شده در این بخش می‌توان به جایگاه کنونی محیط زیست در WTO پی برد. در نهایت در بخش چهار؛ ضمن ارزیابی و تحلیل راه‌حل‌های ارائه شده، به بیان راه حل پیشنهادی به منظور حل مشکلات موجود در مورد جایگاه محیط زیست در WTO پرداخته شده و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه شده است.

الف) بررسی تاریخچه‌ی روابط میان تجارت و محیط زیست

نظام تجاری در آغاز کار خود یعنی دهه‌ی ۱۹۲۰، از مداخله در مسائل مربوط به سلامت ملی و سیاست‌های زیست محیطی اجتناب می‌ورزید. اولین معاهده‌ی چند جانبه‌ی تجاری؛ یعنی کنوانسیون کاهش تشریفات حقوق و عوارض گمرکی (۱۹۲۳)^۱ در ماده‌ی ۱۷ خود بیان داشته: "مقررات معاهده‌ی حاضر به اقداماتی که دول متعاقد به منظور تضمین سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان به عمل می‌آورند، لطمه وارد نخواهد ساخت".

از دیگر معاهدات تجاری چند جانبه‌ی مهم در آن زمان، کنوانسیون ممنوعیت‌های تجاری (۱۹۲۷)^۲ است که با هدف لغو ممنوعیت‌های وارده بر صادرات و واردات وضع شده بود.

کنوانسیون مزبور در بند ۴ ماده‌ی ۴ خود، به بیان استثنایی در رابطه با ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی پرداخته که به منظور حفاظت از سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان در برابر بیماری‌ها، حشرات، آفات و انگل‌ها وضع و اعمال می‌گردید.

1. International Convention Relating to the Simplification of Customs Formalities, 3 November 1923.

2. International Convention for the Abolition of Import and Export Prohibitions and Restrictions, 8 November 1927.

پس از انعقاد کنوانسیون یاد شده، نگرانی‌هایی مبنی بر عدم وضوح و کفایت استثناء مندرج در بند ۴ ماده‌ی ۴ مطرح گردید. از این‌رو به منظور روشن ساختن حوزه‌ی این استثناء، دولت‌های عضو مبادرت به انعقاد یک پروتکل نمودند.

مطالعه‌ی این پروتکل بر ما روشن می‌سازد که حتی در سال ۱۹۲۷ نیز جامعه‌ی بین‌المللی از آثار و عوارض مقررات تجاری بر امنیت و تنوع زیستی، آگاه بوده است؛ زیرا علاوه بر موارد زیست محیطی ذکر شده در کنوانسیون، پروتکل به اقداماتی اشاره دارد که به منظور حفاظت از حیوانات و گیاهان در برابر نابودی و انقراض آن‌ها صورت می‌پذیرد (بند الف ماده‌ی ۴).

پس از جنگ جهانی دوم، یعنی زمانی که دولت‌ها در حال مذاکره پیرامون موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات^۱) و منشور سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) (Havana Charter, 187, 1948) بودند، شماری از موافقت‌نامه‌های زیستی محیطی چندجانبه با تعهدات تجاری خاص در عرصه‌ی بین‌المللی وجود داشت، از آنجایی که دوران پس از جنگ، زمان مناسبی برای طرفداران محیط زیست بود تا سیاست‌های خود را در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست محیطی تنظیم نمایند، در این دوره مذاکرات متعدد پیرامون کنوانسیون‌های زیست محیطی آغاز شد که منتهی به انعقاد چند کنوانسیون گردید.^۲ به دلیل وجود همین کنوانسیون‌ها بود که نویسندگان منشور ITO اقدام به درج یک استثنای عام در آن منشور نمودند. این استثناء شامل اقداماتی می‌شد که بر اساس موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی مرتبط با حفاظت از منابع دریایی و شیلات، پرنندگان مهاجر حیوانات وحشی، انجام می‌پذیرفت (Havana Charter, 1948, art. 45).

بنابراین به نظر می‌رسد بر خلاف عقیده‌ی اکثر صاحب‌نظران، موسسان نظام تجارت جمعی، از چالش‌های زیست محیطی مشخص و ضرورت انطباق سیاست‌های تجاری در حال ظهور با این چالش‌ها مطلع بودند. اما منشور ITO هیچ زمان لازم‌الاجرا نگردید و به جای آن تا زمان تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵، «گات» روابط تجاری چندجانبه را تنظیم می‌نمود.

دومین دوره‌ی اثرگذاری مسائل زیست محیطی بر تجارت بین‌الملل، اوایل دهه‌ی هفتاد بود. در آن زمان با قوت گرفتن بحث محیط زیست در عرصه‌ی بین‌المللی، گات نیز تحت تأثیر مسائل زیست محیطی قرار گرفت. از این‌رو دبیرکل «گات» مبادرت به تهیه گزارشی پیرامون «کنترل آلودگی صنعتی و تجارت بین‌الملل» (GATT, 1971) نمود. به علاوه گروهی با عنوان

1. 55 U.N.T.S, 194. 30 October 1947.

۲. از جمله می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی وال‌ها ۱۹۴۶، کنوانسیون تورهای ماهی‌گیری ۱۹۴۶ و سند اساسی اتحادیه‌ی بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی ۱۹۴۸ اشاره نمود.

«گروه اقدامات زیست محیطی و تجارت بین‌الملل» به منظور بررسی روابط متقابل میان تجارت و محیط زیست در «گات» تأسیس گردید. اما متأسفانه این گروه به مدت دو دهه هیچ نشست و جلسه‌ای نداشت.

در اوایل دهه‌ی نود، تحت تأثیر فشارهای وارده مبنی بر تشکیل جلسه توسط «گروه اقدامات زیست محیطی و تجارت بین‌الملل»، که عمدتاً از سوی سازمان‌های غیر دولتی اعمال می‌گردید، سرانجام گروه اقدام به تشکیل جلسه نمود، اما این جلسات نتایج چشمگیری در پی نداشت. در نهایت عملکرد ضعیف گروه تجارت و محیط زیست «گات» سبب جایگزینی آن با کمیته‌ی تجارت و محیط زیست (CTE) سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ گردید. این کمیته تلاش نمود تا درک بهتری از سیاست‌های میان‌بخشی پیدا نموده و نیز همکاری بهتر و بیشتری با تصمیم‌گیرندگان داخلی و ملی داشته باشد (Shaffer, 2001, 93). در بخش‌های بعدی مفصل‌تر به بررسی عملکرد این کمیته خواهیم پرداخت.

نخستین گام توجه سازمان تجارت جهانی به مسائل زیست محیطی، با معاهده‌ی مؤسس آن سازمان برداشته شد (WTO, Online 1994). زیرا در مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ی مزبور، کشورهای عضو به صراحت بر اهمیت حفاظت و حمایت از محیط زیست تأکید نموده‌اند:

"... طرفین متعهد تصدیق می‌نمایند که روابط تجاری و فعالیت‌های اقتصادی آنان می‌بایست با نگرش به افزایش استانداردهای زندگی همراه باشد ... ضمن این که استفاده‌ی بهینه از منابع جهان مطابق با اهداف توسعه‌ی پایدار لحاظ شده و در جستجوی حفاظت از محیط زیست و افزایش ابزارها و وسایل این حفاظت در سطوح مختلف توسعه‌ی پایدار باشد ... (WTO, Online 1994).

در سال ۱۹۹۸، در قضیه‌ی «ممنوعیت وارداتی وضع شده توسط ایالات متحده آمریکا بر انواع مشخصی از میگو و محصولات به دست آمده از آن» (United States-Shrimp-Turtle, 1998, Para. 58)، رکن پژوهشی سازمان تجارت جهانی از عبارات فوق به منظور تفسیر استثنائات عام مندرج در ماده‌ی ۲۰ «گات» استفاده نمود. رکن پژوهش در گزارش خود بیان می‌دارد که مقدمه‌ی موافقت‌نامه مؤسس سازمان تجارت جهانی، بر تمام موافقت‌نامه‌های تجاری آن سازمان قابل اعمال بوده و به علاوه، به صراحت از توسعه‌ی پایدار به عنوان هدف این سازمان نام می‌برد (United States-Shrimp-Turtle, 1998, Para. 129).

در این راستا عبارات کمیته‌ی تجارت و محیط زیست سازمان تجارت جهانی در خصوص توصیه‌های آن کمیته برای ایجاد اصلاحات در مقررات سازمان تجارت جهانی نیز شایان توجه است. کمیته بیان می‌دارد:

«... [سازمان تجارت جهانی] نیازمند قواعدی است که روابط و تعامل مثبت میان تجارت و اقدامات زیست محیطی را افزایش داده و نیز نیازمند پذیرش مقررات و موافقت‌نامه‌های چند جانبه‌ی مؤثر به منظور پاسخ‌گویی نظام تجارت جمعی نسبت به اهداف زیست محیطی مندرج در دستور کار شماره‌ی ۲۱ و اعلامیه‌ی «ریو» به‌ویژه اصل ۱۲ آن اعلامیه می‌باشد...»

بیانات فوق نشان‌گر این است که دولت‌ها با این مسئله که سازمان تجارت جهانی می‌بایست واجد مقرراتی به منظور حصول به تعامل مثبت میان تجارت و محیط زیست باشد، مشکلی نداشته‌اند و حتی موافق آن هستند. چراکه امروزه کمتر کسی می‌تواند در این که محیط زیست بخشی از قلمرو سازمان تجارت جهانی است تردید به خود راه دهد.

ب) ضوابط زیست محیطی مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی

معاهده‌ی سازمان تجارت جهانی حاوی ۲۴ موافقت‌نامه و تعدادی تفاهم‌نامه است که بخشی از یک سند واحد هستند. بسیاری از این متون حقوقی، حاوی مقررات مرتبط با محیط زیست می‌باشند که دبیرکل سازمان تجارت جهانی از این مقررات با عنوان «مقررات سبز» (یعنی مقرراتی که هدف آن حفاظت از محیط زیست باشد) یاد نموده است. اما اصطلاح «مقررات سبز» در هیچ یک از مقررات WTO تعریف نشده است.

نکته‌ای که در این ارتباط باید به آن توجه شود این است که؛ گرچه مقررات سازمان تجارت جهانی بطور مستقیم سیاست‌های زیست محیطی را به دولت‌ها دیکته نکرده و یا حتی آن‌ها را در استفاده از ابزارهای مورد استفاده آزاد گذاشته‌اند، اما دامنه‌ی قواعد سازمان تجارت جهانی به اندازه‌ی کافی گسترده است تا انتخاب کشورها را متأثر سازد و در عمل، آزادی عمل دولت‌ها را در اتخاذ سیاست‌های زیست محیطی‌شان محدود ساخته است.

در این بخش از مقاله به بررسی و تحلیل ضوابط و مقررات زیست محیطی مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی می‌پردازیم.

۱- مقررات زیست محیطی گات (GATT)

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در سال ۱۹۴۷ که مؤسسان «گات» در حال مذاکره‌ی آن موافقت‌نامه بودند، از اثرگذاری تجارت بر محیط زیست اطلاع داشتند، از این‌رو ماده‌ی ۲۰ را به عنوان استثنائی بر قواعد عام «گات» در آن موافقت‌نامه درج نمودند. اما از آن جایی که

«گات» ۱۹۴۷ هیچ‌گونه اشاره‌ی صریحی به محیط زیست و حمایت از آن نکرده بود، در طول مذاکرات «دور اروگوئه» برخی از کشورهای عضو، اصرار به اصلاح ماده‌ی ۲۰ و اضافه نمودن عبارت محیط زیست در بند «ب» آن ماده را داشتند، اما در نهایت، آن ماده بدون هرگونه تغییری در «گات» ۱۹۹۴ گنجانده شد. عدم تغییر متن ماده‌ی مزبور نشان دهنده‌ی عدم تمایل اعضای سازمان تجارت جهانی نسبت به درج استثنائات جدید زیست محیطی در آن موافقت‌نامه است؛ هرچند می‌توان این‌گونه استدلال کرد که بندهای «ب» و «ز» ماده‌ی ۲۰ با هدف پوشش اهداف زیست محیطی تدوین شده، بنابراین به صورت ضمنی به مسئله‌ی محیط زیست اشاره دارد. از آنجایی که ماده‌ی ۲۰ «گات» ۱۹۹۴، الهام بخش ضوابط زیست محیطی مقرر در اکثر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی است و غنی‌ترین رویه‌ی قضایی حول این ماده شکل گرفته است، لذا شایسته است تا به این ماده و رویه‌ی قضایی مرتبط با آن اشاره‌ای داشته باشیم؛ زیرا درک و شناخت این ماده، راه را برای شناخت ضوابط زیست محیطی در دیگر موافقت‌نامه‌های WTO هموار می‌سازد.

از میان استثنائات عام مندرج در ماده‌ی ۲۰، دو استثناء مرتبط با مسائل زیست محیطی است که شامل بندهای «ب» و «ز» آن ماده می‌باشد. بند «ب» مربوط به اقداماتی است که برای حفاظت از سلامت یا حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان ضروری است و بند «ز» اقداماتی را در بر می‌گیرد که مربوط به حفاظت از منابع طبیعی محدود و تجدید ناپذیر است. اما هر دو استثناء منوط به شرایط مندرج در مقدمه‌ی ماده‌ی ۲۰ هستند که بر اساس آن اقدامات مزبور می‌بایست به شیوه‌ای اعمال شوند که نخست؛ سبب تبعیض غیر قابل توجیه میان کشورهای دارای شرایط یکسان نشود و دوم؛ باعث ایجاد محدودیت مبدل و پنهان بر تجارت بین‌الملل نگردد. در مطالب پیش‌رو ابتدا بند «ب» ماده‌ی ۲۰ یعنی اقدامات ضروری برای حفاظت از سلامت و حیات با استناد به رویه‌ی قضایی موجود تحلیل شده و سپس از همین روش برای تحلیل بند «ز» این ماده استفاده خواهد شد.

۲. ۱. ۱. اقدامات ضروری برای حفاظت از سلامت و حیات

بند «ب» ماده‌ی ۲۰ «گات» به کشورهای عضو اجازه می‌دهد برای حفاظت از سلامت و حیات انسان، حیوان و گیاه اقداماتی را به عمل آورند و هیچ چیز در موافقت‌نامه‌ی «گات» نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع از اجرای این اقدامات توسط دولت‌ها گردد.

هر چند روابط میان تجارت با مسائل مربوط به سلامت، موضوع جدیدی نیست، اما با افزایش تجارت، مسأله‌ی سلامت نیز اهمیت بیشتری پیدا کرد و سبب شد تا سلامت را، که سابق بر این موضوعی داخلی بود، وارد قلمرو تجارت از جمله سازمان تجارت جهانی نماید، اما این ورود، ورودی بی قید و شرط و مطلق نبوده است.

بند «ب» ماده‌ی ۲۰ به همراه مقدمه‌ی این ماده، قیود لازم برای توسل به اقدامات مرتبط با حفاظت از سلامت را بیان نموده‌اند، این قیود شامل ضرورت و عدم اعمال تبعیض خود سرانه و ناموجه می‌شود، با وجودی که عبارت‌های یاد شده از بار معنایی گسترده‌ای برخوردار هستند، اما در موافقت‌نامه‌ی «گات» تعریفی از آن‌ها ارائه نشده است و به دلیل ابهامات موجود، اختلافات بسیاری بر سر تفسیر این مفاهیم میان کشورها بروز یافته است. رکن حل و فصل اختلافات در خلال بسیاری از رسیدگی‌های خود سعی در ایضاح و تفسیر عبارات ذکر شده داشته است. در رابطه با اجرای بند «ب» ماده‌ی ۲۰ هم در «گات» و هم در «WTO» اختلافاتی مطرح شده است، این اختلافات مربوط به سیاست‌های حفاظتی از قبیل حفاظت از سلامت و حیات دلفین‌ها، کاهش آلودگی هوا، خطراتی که پنبه‌ی نسوز و محصولات ناشی از آن برای سلامت انسان‌ها به دنبال دارد و حفاظت از سلامت انسان‌ها در برابر خطرات ناشی از استعمال دخانیات می‌شود.

رویه‌ی قضایی حاصل از قضایای فوق، گویای تفسیر عبارات ضرورت است که در زیر به اختصار توضیح داده می‌شود:

*ضرورت و تفسیر آن

هدف از درج قید ضرورت در بند ب ماده‌ی ۲۰ که در موارد مرتبط با محیط زیست در سایر موافقت‌نامه‌ها نیز تکرار شده است، صدور مجوز برای دولت‌های عضو به منظور اتخاذ اقدامات محدودکننده‌ی تجاری مخالف موافقت‌نامه‌ی عمومی و برای نیل به اهداف مهم سیاست عمومی است، اما تا جایی که این عدم تطابق اجتناب‌ناپذیر باشد. ضرورت در حقیقت مشخص‌کننده‌ی رابطه‌ی لازم میان هدف مورد تعقیب و اقدامی است که برای رسیدن به آن هدف دنبال می‌شود، لذا تعیین این که آیا اقدامات انجام شده بر اساس بند ب ماده‌ی ۲۰ ضرورت داشته یا خیر؟ مسئله‌ی بسیار مهمی است.

بررسی و تفسیر معیار ضرورت مقرر بند «ب» نخستین بار در قضیه‌ی «سیگار تایلند»^۱ انجام گرفت، در این قضیه، الزام جدیدی به نام «حداقل محدودیت تجاری» توسط هیئت بدوی گات^۲ به وجود آمد. رکن بدوی در این پرونده معیار ضرورت را این‌گونه تشریح می‌نماید:

۱. این قضیه تحت عنوان محدودیت تایلند علیه سیگارهای وارداتی از کشور آمریکا در هیئت بدوی گات مطرح گردید.

"...محدودیت‌های وارداتی اعمال شده توسط تایلند در صورتی می‌تواند ضروری تلقی شود که اقدام جایگزین دیگری که مخالف موافقت‌نامه‌ی عمومی نباشد و یا تطابق بیشتری با آن داشته باشد و بتوان توقع داشت که به نحو معقولانه‌ای برای رسیدن به اهداف سلامت تایلند به کار رود، وجود نداشته باشد."

(WTO Panel, Thailand- Cigarettes, 1990, Para. 74)

اما به مرور زمان تفسیر فوق؛ یعنی "حداقل محدودیت تجاری" به "محدودیت تجاری کمتر" بدل گردید و در نهایت رکن پژوهش در قضیه‌ی «پنبه‌ی نسوز» آزمون تناسب (ارزیابی تناسب میان هدف و اقداماتی که برای رسیدن به آن هدف انجام می‌شود) را برای تعیین ضرورت اقدام به عمل آمده به کار گرفت. طبق این آزمون به هر میزان که منافع یا ارزش‌های دنبال شده، حیاتی و مهم باشد راحت‌تر می‌توان به این نتیجه دست یافت که اقدامات انجام شده ضروری بوده است. برای مثال در قضیه‌ی یاد شده، رکن پژوهش با به کار گرفتن معیار ضرورت در قالب تناسب به این نتیجه دست یافت: "... اهدافی که اقدامات بهداشتی برای نیل به آن‌ها اتخاذ شده، حفاظت از سلامت و حیات انسان است که هر دو در بالاترین سطح اهمیت قرار داشته و حیاتی هستند."

(WTO, AB Report, European communities-Asbestos, 2001, Para. 172)

از مجموع رویه‌ی قضایی پیرامون معیار ضرورت، می‌توان چرخش رویکرد رکن حل و فصل اختلافات را به سمت تفسیر موسّع‌تر و در راستای اقدامات بهداشتی و حفاظت از محیط زیست ملاحظه نمود که اگر به همین منوال تداوم یابد روندی مثبت از نقطه‌نظر زیست‌محیطی است. نتیجه‌ی تفسیر مضیق از عبارت ضرورت، چیزی جز غیر قانونی شناخته شدن اقدامات زیست محیطی انجام شده طبق بند ب، نخواهد بود. کما این که تفسیرهای دست و پاگیر و موجد قید و بندهای فراوان، که در گزارش‌های اولیه‌ی رکن حل و فصل اختلافات از معیار ضرورت انجام می‌شد علاوه بر آن که دست دولت‌ها را در اتخاذ اقدامات محدود کننده‌ی تجارت بر اساس بند «ب» ماده ۲۰ «گات» می‌بست، در عمل کارکرد بند ب ماده‌ی ۲۰ گات را منتفی می‌ساخت و حتی جایگاه آن‌را در حد مقررهای تزئینی و بدون کاربرد تنزل می‌داد.

۲. ۱. ۲. اقدامات مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر و تفسیر آن

این اقدامات در بند «ز» ماده‌ی ۲۰ «گات» آورده شده است. مقرره‌ی یاد شده بر خلاف بند «ب»، مورد مشابهی در سایر موافقت‌نامه‌ها ندارد و منحصر به «گات» است. بند «ز» ماده‌ی ۲۰ متضمن دو شرط است:

اول- اقدامات باید مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر باشند.

دوم- اقدامات باید همراه با اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی باشد.

بحث پیرامون معیار «ارتباط» نخستین بار در قضیه‌ی ماهی سالمون - شاه‌ماهی کانادا- و در رکن حلّ و فصل اختلافات مطرح شد. رکن بدوی معتقد بود که این معیار را باید در پرتو سیاق کلی بند «ز» ماده‌ی ۲۰ «گات» و هدف آن مقررات مورد بررسی قرار داد.

(WTO Panel Report, Canada- Herring and salmon, 1998)

بعضی از بندهای ماده‌ی ۲۰ حاکی از این است که اقدامات انجام شده برای رسیدن به اهداف مقرر در بندهای آن ماده باید «ضروری و لازم باشد» درحالی که بند «ز» فقط به اقداماتی اشاره دارد که در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی هستند. منظور از اظهارات فوق این است که بند «ز» ماده‌ی ۲۰ نه تنها شامل اقدامات ضروری برای حفاظت می‌شود بلکه محدودی وسیع‌تری را نیز در برمی‌گیرد. در نظر رکن بدوی، بعضی مواقع لازم نیست که یک اقدام تجاری برای حفاظت از یک منبع طبیعی ضروری باشد، بلکه باید هدف نخستین آن حفاظت از یک منبع طبیعی تجدیدناپذیر باشد (Ibid., Para 4. 6).

بنابراین مشخص است که رکن بدوی اقدامی را مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر می‌داند که «هدف اولیه‌ی» آن اقدام حفاظت از آن منبع باشد. تفسیر فوق در دیگر قضایایی که در رکن حل و فصل اختلافات «WTO» در خصوص بند «ز» ماده‌ی ۲۰ مطرح گردید؛ یعنی قضایای بنزین فرمول‌بندی جدید و میگو - لاک‌پشت‌های دریایی نیز تکرار شده است.

طبق رویه‌ی قضایی مورد اشاره، علاوه بر معیار "هدف اولیه"؛ ضابطه‌ی دیگری یعنی «وجود ارتباط منطقی میان هدف مورد نظر و اقدام انجام شده» نیز برای احراز معیار "ارتباط" اضافه شده است. البته مشکل بودن اثبات ضابطه‌ی اخیرالذکر امکان مشروعیت اقدامات انجام شده را کمتر می‌نماید، زیرا مطابق این معیار، اقداماتی که صرفاً به صورت تصادفی و اتفاقی با هدف حمایتی مرتبط باشند، از شمول بند (ز) ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه‌ی گات خارج‌اند.

*اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی

قید اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی، استناد به بند «ز» ماده‌ی ۲۰ «گات» را محدود می‌سازد، بر اساس نظر رکن پژوهش در قضیه‌ی بنزین فرمول‌بندی جدید، شرط فوق به اقدامات دولتی اشاره دارد که همراه با وضع محدودیت بر تولید و یا مصرف منابع طبیعی داخلی اعمال می‌شود.

منظور عبارت فوق این است که محدودیت‌های مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تجدیدنپذیر نه تنها بر واردات بلکه نسبت به محصولات داخلی نیز باید اعمال شود. شایان ذکر است که شرط یاد شده متفاوت از شرط عدم تبعیض مقرر در ماده‌ی ۳ «گات» و یکی از اصول سازمان تجارت جهانی است، زیرا طبق شرط اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی، لزوم رفتار یکسان با کالاهای مشابه مدنظر نیست، رویه‌ی قضایی نیز موید این مهم است (WTO, AB Report. US-Gasoline. 1996, Para 21).

علاوه بر این اگر این دو شرط را یکسان تلقی نماییم هر اقدامی که ناقض ماده‌ی ۳ «گات» باشد، به طور خودکار ناقض بند ۲۰ ماده‌ی ۲۰ نیز شناخته می‌شود که نتیجه‌ی منطقی آن چیزی جز محدود شدن اعمال ماده‌ی ۲۰ از جمله بند «ز» آن نخواهد بود. پس از آشنایی با مقررات زیست‌محیطی «گات»، به بیان انتقادات وارد بر این مقررات می‌پردازیم.

رویه‌ی قضایی در تفسیرهایی که از بندهای «ب» و «ز» ماده‌ی ۲۰ ارائه داده، گام‌های مثبتی به سمت تعدیل این مقررات به نفع محیط زیست برداشته است که تغییرات و تحولات را می‌توان در تفسیر معیار ضرورت از تفسیری مضیق به برداشتی متعادل و متناسب (اصل تناسب) ملاحظه کرد. اما تحولات ذکر شده نافی انتقاداتی نیست که کماکان بر این ماده سایه افکنده است. از جمله ایراداتی که از نقطه نظر زیست محیطی می‌توان بر ماده‌ی ۲۰ «گات» وارد نمود این است که با توجه به زمان نگارش این ماده (دهه‌ی ۴۰) موضوعات اصلی مندرج در آن منعکس کننده‌ی اولویت‌ها و دغدغه‌های غالب در آن زمان می‌باشد، لذا این سوال مطرح می‌گردد که با توجه به تحولات به وجود آمده در عرصه‌ی بین‌المللی و به طور خاص محیط زیست، آیا متن ماده‌ی یاد شده می‌تواند پاسخ‌گوی نیازها و مشکلات جدید باشد؟

انتقاد دیگر، به نحوه‌ی نگارش این ماده باز می‌گردد که این نحوه‌ی نگارش توسط گزارشات هیئت حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی تقویت شده است. برای مثال رکن حل و فصل اختلافات «WTO» معتقد است که ماده‌ی ۲۰ «گات» به بیان استثنائات «محدود» و «مشروط» پرداخته است؛^۱ در این چارچوب، عبارت محدود به این معنی است که فهرست

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. پاراگراف ۱۵۷ رأی رکن استیناف سازمان تجارت جهانی در قضیه‌ی میگو (آمریکا). گزارش هیئت حل و فصل اختلافات «گات» در قضیه‌ی محدودیت‌های وارداتی ایالات متحده‌ی آمریکا بر ماهی‌های تن (۱).

استثنائات به نحو جامع در آن ماده بیان شده و در نتیجه نمی‌توان استثنائات دیگری را به آن افزود و عبارت مشروط اشاره دارد به این که استناد به استثنائات فوق منوط به رعایت شرایط مقرر در هر بند از ماده‌ی ۲۰ و مقدمه‌ی آن ماده است.

به علاوه، هیئت حل و فصل اختلافات «WTO» همواره از ماده‌ی ۲۰ «گات» تفسیر مضیق به عمل آورده است. از جمله دلایلی که رکن حل و فصل اختلافات برای این عمل خود بیان نموده، این است که ماده‌ی یاد شده دربردارنده‌ی قواعد مثبت (قواعد موجد تعهد) نیست، البته شواهد گویای ایجاد تغییراتی در این نحوه نگرش است، این تغییر گرایش تا کنون در تفسیر معیار ضرورت نمود داشته است.

اما در مجموع، خطری که رویکرد تفسیر مضیق در پی دارد این است که این نوع تفسیر از استثنائات مندرج در ماده‌ی ۲۰ به معنی ایجاد طبقه‌بندی ضمنی میان هدف آزادسازی تجارت با هدف حفاظت از محیط زیست است (Hilf, Power, (2001), 128).

نکته‌ی ابهام‌آمیز دیگر در رابطه با ماده‌ی ۲۰، نامشخص بودن امکان و یا عدم امکان تسری استثنائات این ماده بر منابع زیست‌محیطی موجود در خارج از قلمرو کشور وارد کننده است.

۲.۲. موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت (TBT)

موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت حاصل مذاکرات «دور توکیو» بود، اما در «دور اروگوئه» تقویت و تصویب نهایی گردید. از میان قواعد متعدد موافقت‌نامه‌ی حاضر تنها تعداد اندکی در قالب بحث ما می‌گنجد و آن قواعدی است که به جنبه‌های تجاری سیاست‌های زیست محیطی مربوط می‌شود. هدف اصلی موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت، تضمین عدم تبدیل مقررات فنی، استانداردها و روش‌های ارزیابی فنی به موانع غیر ضروری بر سر راه تجارت است.

موافقت‌نامه‌ی مذکور، مقررات فنی را به نحو موسع تعریف نموده است. بر این اساس، مقرره‌ی فنی عبارت از «مدرک و سندی است که ویژگی‌ها و خصوصیات محصول و یا روش‌های تولید و فرآوری مرتبط با محصول (PPMS) را مشخص نموده باشد» (TBT Agreement, 1994, Annex) موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت، شامل همه‌ی محصولات به استثنای مسائل فنی مرتبط با خریدهای دولتی، کنترل‌های بهداشتی و بهداشت نباتات- که خود تحت نظارت موافقت‌نامه جداگانه‌ای با همین عنوان است- می‌شود.

یکی از مقررات زیست محیطی موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت در مقدمه‌ی این موافقت‌نامه ذکر شده است به این ترتیب که «هیچ کشوری نباید از انجام اقدامات لازم به

منظور تضمین کیفیت صادرات خود و یا برای حفاظت از سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان و یا حفاظت از محیط زیست منع شود...». این ماده که به صراحت به محیط زیست و حفاظت از آن اشاره دارد، می‌توان به دو مقرره‌ی دیگر در موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت نیز اشاره داشت که در ضمن به حفاظت از محیط زیست اشاره دارند. مورد دیگر بند ۲ ماده‌ی ۲ است که از جمله قواعد اصلی این موافقت‌نامه محسوب می‌شود. بر اساس این ماده اعضا ملزم هستند که تجارت بین‌الملل را بیش از آن‌چه که برای اجرای اهداف قانونی و مشروع ضرورت دارد، محدود نمایند. یکی از مصادیق اهداف قانونی و مشروع طبق این ماده می‌تواند حفاظت از سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان و نیز حفاظت از محیط زیست قلمداد شده است. در کنار دو مقرره‌ی پیش‌گفته، که به صراحت به مسئله‌ی محیط زیست مربوط می‌شود، موافقت‌نامه موانع فنی فراروی تجارت، حاوی مقرره‌ای است که به نحو ضمنی اشاره به محیط زیست دارد، به عبارت دیگر می‌توان از آن در راستای اهداف زیست محیطی بهره جست، مقرره‌ی یاد شده که به استانداردهای بین‌المللی پرداخته است، بیان می‌دارد:

"... در صورت وجود یک استاندارد بین‌المللی مرتبط، مقررات فنی یک دولت می‌بایست آن استاندارد را به عنوان مبنای قواعد فنی خود به کار گیرند؛ مگر آن که استاندارد بین‌المللی برای اجرای اهداف قانونی مؤثر نبوده و یا نامناسب باشد" (TBT Agreement, 1994, Art 2/4).
با توجه به تعریف موسع موافقت‌نامه از استانداردها، ماده‌ی فوق می‌تواند استانداردهای زیست محیطی تولید را نیز در برگیرد.

نکته‌ی مثبتی که موافقت‌نامه موانع فنی فراروی تجارت، نسبت به موافقت‌نامه‌های «گات و گتس» دارد، این است که مقررات مربوط به مسائل غیرتجاری از جمله محیط زیست، نه به عنوان استثنا بلکه به عنوان بخشی از قواعد ماهوی در آن معاهده درج شده‌اند. این رویکرد مثبت منعکس‌کننده‌ی ایجاد تغییر قابل ملاحظه و مثبت در تفکر سازمان تجارت جهانی نسبت به مسائل غیر تجاری از جمله محیط زیست است.

۲.۳. موافقت‌نامه‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی^۱ (SPS)

در رابطه با مقررات مرتبط با بهداشت و سلامت، موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراروی تجارت، جای خود را به موافقت‌نامه‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌دهد. این موافقت‌نامه به اقداماتی می‌پردازد که به منظور حفاظت از سلامت انسان‌ها و حیوانات (آبزیان و جانوران) و گیاهان (جنگل‌ها

1. . Sanitary and Phytosanitary Agreement, 1994.

و گونه‌های وحشی) در برابر خطرات مشروح در این موافقت‌نامه، به عمل می‌آید؛ یعنی اقداماتی که می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تجارت بین‌الملل را متأثر نماید.

هدف این موافقت‌نامه ایجاد چارچوبی از قواعد و اصول لازم به منظور توسعه، تصویب و اجرای اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی است تا از این طریق آثار منفی این اقدامات بر تجارت را کاهش دهد.

اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌تواند در قالب قوانین، مقررات، رویه‌ها و آرای قضایی نمود یابد، از جمله مواردی که می‌تواند تحت پوشش اقدامات یاد شده قرار گیرد عبارت است از:

- روش‌ها و فرآیندهای تولید (PPMs).
 - رویه‌های مربوط به آزمایش، بازرسی، کنترل، صدور گواهی‌نامه و تأیید قرنطینه از جمله مقررات لازم به منظور انتقال حیوانات و گیاهان و یا مقررات مربوط به مواد مورد نیاز برای حفظ بقای گیاهان و حیوانات در طول فرآیند انتقال.
 - روش‌های آماری، نمونه‌گیری و شیوه‌های ارزیابی خطر.
 - مقررات مربوط به بسته‌بندی و برچسب‌زنی که به طور مستقیم با صحت و سلامت مواد و محصولات غذایی مرتبط باشد (Steward, 2003, 43).
- ماده ۲ موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، به بیان کلی حقوق و تعهدات دولت‌های عضو پرداخته است. این ماده بیان می‌دارد که اعضا، حق اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی لازم به منظور حفاظت از سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان را دارند مشروط بر این که اقدامات مزبور با مقررات موافقت‌نامه‌ی حاضر در تعارض نباشند.
- ماده‌ی فوق‌گویی نگرانی و دغدغه‌های مربوط به سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان است؛ براین اساس از دولت‌ها می‌خواهد تا تلاش‌های لازم را به منظور به حداقل رساندن خطرات ناشی از صادرات و واردات محصولات می‌تواند سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان را به مخاطره اندازد به عمل آورند.
- از جمله موارد محصولات آلوده، که تجارت بین‌الملل را متأثر نمود و سبب نگرانی مصرف‌کنندگان نسبت به سلامت و ایمنی خود گردید، می‌توان به بیماری جنون گاوی در برخی از کشورهای اروپایی، فاجعه‌ی نیروگاه اتمی فوکوشیما ژاپن و اثر آن بر آلودگی محصولات غذایی و آشامیدنی در اثر زلزله و یا شیوع بیماری آنفلوآنزای H1N1 اشاره نمود.

متأسفانه تاکنون هر اقدام بهداشتی و یا بهداشت گیاهی داخلی که در هیئت حلّ و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مطرح شده است، ناقض قواعد تجاری شناخته شده است. به علاوه هرچند در موافقت‌نامه‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، سعی شده است که میان دو هدف ترویج و ارتقای تجارت از یک سو و حمایت از سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان از سوی دیگر تعادل برقرار گردد، اما تاکنون اکثر تحلیل‌ها و رویه‌ها نشان‌گر برتری تجارت بر هدف دیگر بوده است.

از جمله نکات انتقادی در ارتباط با موافقت‌نامه‌ی یاد شده این است که کمیته‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی سازمان تجارت جهانی (که تنظیم‌کننده‌ی مسائل سیاسی مرتبط با موافقت‌نامه‌ی حاضر است)، از اعطای مقام ناظر به کنوانسیون‌های زیست محیطی خودداری نموده است.

هم‌چنین سازمان تجارت جهانی فاقد قواعدی برای مسئولیت و جبران خسارات ناشی از جابه‌جایی برون مرزی ارگانیزم‌های مضر است در حالی که این سازمان، دولت‌ها را به مجاز دانستن چنین جابه‌جایی‌هایی سوق داده است (EPPs, 2008, 382).

۲.۴. موافقت‌نامه‌ی کشاورزی^۱

هدف موافقت‌نامه‌ی کشاورزی، اصلاح تجارت محصولات کشاورزی به منظور ایجاد نظام تجاری منصفانه و متمایل به بازار است. موافقت‌نامه، در بردارنده‌ی تعهدات دولت‌ها مبنی بر کاهش یارانه‌های داخلی در بخش کشاورزی (ماده‌ی ۶) و یارانه‌های صادراتی (ماده‌ی ۹) می‌باشد. در خصوص حفاظت از محیط زیست، مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ی کشاورزی بیان می‌دارد که تعهدات مندرج در این موافقت‌نامه با در نظر گرفتن ضرورت و نیاز حمایت از محیط زیست وضع شده‌اند. به علاوه مطابق «ماده‌ی ۲۰» مذاکرات مربوط به برنامه‌های اصلاحی، مسائل غیر تجاری را نیز شامل می‌گردد که یکی از آن مسائل می‌تواند حفاظت از محیط زیست باشد. هم‌چنین ضمیمه‌ی شماره‌ی ۲ موافقت‌نامه‌ی مزبور، فهرستی از انواع مختلف یارانه‌ها را ارائه نموده است که تابع تعهدات مربوط به کاهش یارانه‌ها نیستند. از جمله موارد مندرج در این فهرست می‌توان به یارانه‌هایی اشاره نمود که آثار سوء زیست محیطی به دنبال ندارد و نیز یارانه‌هایی که برای اجرای برنامه‌های زیست محیطی وضع می‌شوند.

1. Agriculture Agreement, 1994, Annex 1A.

اما با وجود نقش بسیار مهمی که موافقت‌نامه‌ی کشاورزی از طریق کاهش یارانه‌های این بخش در راستای حفاظت از محیط زیست می‌تواند ایفا نماید، تاکنون در مذاکرات تجاری صورت گرفته توجهی به آسیب‌های زیست محیطی یارانه‌های کشاورزی نشده است.

۲. ۵. موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات^۱ (GATS)

موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات (گتس)، قواعد بنیادین تجارت کالاها را بر تجارت خدمات اعمال نموده است. در رابطه با مقوله‌ی حفاظت از محیط زیست، طبق بند «ب» ماده‌ی ۱۴ گتس، چنانچه انجام اقداماتی برای حفاظت از سلامت و یا حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان ضرورت داشته باشد، اعضای سازمان تجارت جهانی مجاز به تصویب آن اقدامات هستند ولو این که در مغایرت با «گتس» باشد.

هرچند این ماده مشابه ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت «گات» است، اما قیود محدودکننده‌ی مندرج در مقدمه‌ی آن ماده (تبعیض خودسرانه و غیر قابل توجیه، ایجاد محدودیت پنهان فراروی تجارت بین‌الملل) را در خود جای نداده است.

به علاوه موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات می‌تواند تبعات زیست محیطی مثبتی در پی داشته باشد. یکی از مزایای زیست محیطی «گتس» این است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا برخورد بازتری نسبت به واردات خدمات زیست محیطی داشته باشند؛ همان‌طور که می‌دانید «گتس» جابه‌جایی اشخاص حقیقی را به منظور ارائه‌ی خدمات و یا استفاده از خدمات تسهیل نموده است که از این قابلیت می‌توان به منظور حفاظت از محیط زیست بهره گرفت.^۲

اقدامات زیست محیطی در اشکال مختلف آن؛ یعنی مقررات، مالیات‌ها و تحریم‌های وارداتی می‌تواند موضوع قواعدی از «گتس» باشد، البته باید در نظر داشت که قواعد «گتس» تنها در بخش‌هایی قابل اعمال‌اند که دولت‌ها خود را متعهد نموده باشند. از جمله خدمات زیستی مندرج در ضمیمه‌ی «گتس» می‌توان به این موارد اشاره داشت:

- خدمات مربوط به مدیریت فاضلاب.
- خدمات مربوط به مدیریت و بازیافت مواد زائد و زباله.

1. General Agreement on Trade of Services 1994.

۲. برای مثال در خصوص استفاده از خدمات می‌توان به دانشجویانی اشاره نمود که به منظور تحصیل یا تحقیق در رشته‌ی محیط زیست به کشور دیگر سفر می‌کنند و در مورد ارائه‌ی خدمات نیز می‌توان کارشناسان مجرب زیست محیطی را مثال زد که در کشور دیگر خدمات زیست محیطی ارائه می‌نمایند.

• خدمات بهداشتی.^۱

در این جا جای دارد اشاره‌ای به انتقادات زیست محیطی وارده بر «گتس» داشته باشیم. با توجه به تشابه ماده‌ی ۱۴ این موافقت‌نامه با ماده‌ی ۲۰ «گات» می‌توان ایراد مربوط به تفسیر مضیق را بر این ماده نیز وارد دانست. به علاوه، درج مقرره‌ای مشابه ماده‌ی ۲۰ «گات»، گویای پافشاری و اعتقاد اعضای سازمان تجارت جهانی بر رویکرد مندرج در آن ماده و عدم توجه به تحولات صورت گرفته است که خود موید انتقادی است که پیرامون «گات» بیان گردید. علاوه بر این «گتس» تنها به ذکر یک استثنای زیست محیطی بسنده نموده - اقدامات ضروری برای حفاظت از سلامت و حیات انسان‌ها، حیوانات و یا گیاهان - بنابراین به نظر می‌رسد که استثنای مربوط به حفاظت از منابع طبیعی محدود و تجدیدنپذیر، به عمد از این موافقت‌نامه حذف گردیده است. فقدان این مقرره‌ی زیست محیطی مهم علاوه بر این که گامی به عقب محسوب می‌شود. دفاع از مقرره‌ی زیست محیطی با عنوان حفاظت از منابع طبیعی محدود در برابر مقرره‌ی تجاری را - در صورت طرح اختلافی زیست محیطی - با مشکل مواجه می‌کند. انتقاد دیگری که می‌توان بیان داشت این است که اگرچه مقررات «گتس» به حقوق و تکالیف اعضای صندوق بین‌المللی پول و موافقت‌نامه‌های چندجانبه در مورد مالیات مضاعف کردن نهاده‌اند (Ansari, 2007, 387) اما در کمال تأسف «گتس»، فاقد مقرره‌ی مشابهی در مورد رژیم‌های چندجانبه‌ی زیست محیطی است.

۲. ۶. موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (TRIPS)

مسائل مرتبط با حقوق مالکیت معنوی برای نخستین بار در مذاکرات «دور اروگوئه» مطرح گردید، علت عمده‌ی آن افزایش میزان کالاهای تقلبی و جعلی و نیز اجرای نامناسب قواعد ملی مرتبط با جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی بود.

موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (تریپس) دربردارنده‌ی مجموعه‌ی قواعد مربوط به حمایت و اجرای حقوق مالکیت معنوی است. هدف این موافقت‌نامه، از یک سو کاهش موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌الملل به منظور ارتقای حمایت مناسب و مؤثر از

۱. تاکنون اعضای سازمان تجارت جهانی حداقل در یکی از بخش‌های فرعی زیست محیطی فوق مبادرت به پذیرش تعهدات نموده‌اند. هرچند محدودیت‌های مربوط به دسترسی به بازار و رفتار ملی در خصوص چهار حالت عرضه‌ی خدمات باید برای انجام محتوای این تعهدات لحاظ گردد.

حقوق مالکیت معنوی و از سوی دیگر تضمین عدم تبدیل اقدامات و شیوه‌های به کار گرفته شده برای اجرای حقوق مالکیت معنوی به موانع تجاری است.

رابطه‌ی موافقت‌نامه‌ی تریپس با مقوله‌ی محیط زیست در بندهای ۲ و ۳ ماده‌ی ۲۷ این موافقت‌نامه نمود یافته است. در این ماده به اختراعات قابل ثبت تعریف شده و موضوعاتی که قابلیت برخورداری از امتیاز ثبت اختراع دارند، نیز مشخص شده است.

امتیاز ثبت اختراع، شاخه‌ای از مالکیت معنوی است که اثر مهمی بر کیفیت سلامت و محیط زیست دارد. بر اساس مقررات «تریپس»، دولت‌ها ملزم به صدور امتیاز ثبت اختراع در تمام حوزه‌های فناوری هستند، اما در عین حال می‌توانند از اعطای این حق در مورد برخی از اختراعات و ابداعات خودداری ورزند و یا مانع از بهره‌برداری تجاری از یک اختراع در قلمرو خود گردند و آن زمانی است که حمایت از نظم عمومی یا اخلاقیات از جمله حفاظت از حیات یا سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان و یا اجتناب از ورود آسیب جدی به محیط زیست ضرورت داشته باشد (بند ۲ ماده‌ی ۲۷ موافقت‌نامه‌ی تریپس). به علاوه بند ۳ مقررهی حاضر به اعضا این امکان را می‌دهد که از اعطای امتیاز ثبت اختراع به موارد زیر خودداری ورزند:

* روش‌های تشخیصی، درمانی و جراحی برای درمان انسان‌ها و حیوانات

* روش‌های مربوط به تهیه و تولید گیاهان و حیوانات به استثنای میکرو ارگانیسم‌ها و فرآیندهای زیست‌شناختی ضروری برای تولید گیاهان و حیوانات به استثنای فرآیندهای غیر زیست‌شناختی و میکروبی‌شناختی.

در عین حال دولت‌ها موظفند از طریق اعطای امتیاز ثبت اختراع و یا نظام‌های منحصر به فرد^۱ از گونه‌های گیاهی حفاظت به عمل آورند.

هرچند آثار احتمالی موافقت‌نامه‌ی «تریپس» بر محیط زیست، آمیزه‌ای از آثار مثبت و منفی است، اما این بررسی نشان می‌دهد که آثار منفی این موافقت‌نامه به مراتب بیشتر از آثار مثبت آن است. از جمله آثار مثبت زیست محیطی این است که اعطای امتیازات انحصاری ثبت اختراع منجر به ابداعات و اختراعات بیشتر می‌گردد، که از نتایج بارز آن برای محیط زیست، دسترسی بیشتر به فناوری‌های جدید زیست محیطی است. ولی موارد زیر گویای آثار منفی «تریپس» بر محیط زیست است: صرف هزینه‌های هنگفت از جانب سایر کشورها (به کشور ثبت‌کننده اختراع و فناوری زیست

1. Sui generis

محیطی) برای استفاده از فناوری‌های جدید زیست محیطی، که این امر به ویژه در کشورهای کم‌درآمد مانع مهمی در استفاده از این فناوری‌ها است.

عدم وجود تضمین‌های لازم در موافقت‌نامه‌ی «تریپس» برای کنترل فناوری‌های مضر و زیان بخش برای محیط زیست از دیگر انتقادات وارد بر این موافقت‌نامه است. از جمله می‌توان به قسمت ب بند ۳ ماده‌ی ۲۷ «تریپس» اشاره داشت که موجب ایجاد نگرانی‌هایی در رابطه با پیشنهاد حمایت از فناوری‌های زیستی مرتبط با تولید ارگانیزم‌های اصلاح نژاد شده است. به نظر می‌رسد اشاعه‌ی چنین فناوری‌هایی برای محیط زیست زیان بخش باشد. برای مثال اعطای امتیاز ثبت اختراع به فناوری‌های مرتبط با تولید گونه‌های گیاهی و محصولات کشاورزی اصلاح نژاد شده، می‌تواند منجر به افزایش تولید این نوع محصولات شود که این امر خود سبب بروز مشکلات اکولوژیکی و زیست محیطی فراوانی از جمله موارد زیر می‌شود:

- مقاومت گونه‌های گیاهی در برابر بیماری‌ها و آفات.

- ایجاد جهش در گونه‌های گیاهی.

- از بین رفتن تدریجی گونه‌های گیاهی سنتی و دخالت در تکوین و تکامل گونه‌های

جدید (Alexander, 1993, 117).

از جمله دیگر خلاءهای زیست محیطی موافقت‌نامه‌ی «تریپس» این است که: شورای «تریپس» تاکنون از انجام هرگونه اقدامی برای اعطای مقام ناظر به نهادهای زیست محیطی مهم سر باز زده است. برای مثال، شورا به تقاضای برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) برای بهره‌مندی از مقام ناظر در آن شورا پاسخ منفی داد و همین عمل را در مورد دبیر کل کنوانسیون تنوع زیستی نیز تکرار نمود (Helfer, 2004, 131).

عدم اجرای بند ۲ ماده‌ی ۶۶ موافقت‌نامه‌ی «تریپس» از دیگر مواردی است که می‌تواند محیط زیست را تحت الشعاع قرار دهد. این ماده، کشورهای توسعه یافته را متعهد می‌سازد تا مبادرت به ایجاد مؤسسات و شرکت‌هایی با هدف ارتقا و تشویق انتقال فناوری به کشورهای کمتر توسعه یافته نمایند. هرچند اجرای مؤثر این ماده می‌تواند نقش مهمی در راستای حفاظت از محیط زیست ایفا نماید، اما از آنجایی که با مشکلات اجرایی فراوانی به ویژه در رابطه با مسئله‌ی انتقال فناوری‌های سالم و بی ضرر برای محیط زیست مواجه است، در عمل اثر مهمی نداشته است.

۳. عملکرد زیست محیطی برخی از ارکان و مقررات نهادی سازمان تجارت جهانی
علاوه بر مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ی مراکش و موافقت‌نامه‌های بررسی شده در بخش دو مقاله، با مذاقه در عملکرد برخی از ارکان سازمان تجارت جهانی، می‌توان توجه این سازمان را به مسائل زیست محیطی هرچند به صورت ضمنی ملاحظه نمود. در ذیل ابتدا عملکرد زیست محیطی برخی از ارکان مهم، به اختصار بررسی می‌گردد و سپس به بحث مقررات نهادی سازمان تجارت جهانی پرداخته خواهد شد:

۳.۱. عملکرد کمیته‌ی تجارت و محیط زیست

کمیته‌ی تجارت و محیط زیست حاصل کار کنفرانس وزرای مراکش (۱۹۹۴) است. همان‌گونه که بیان شد این کمیته به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه‌ی میان تجارت و محیط زیست در حوزه‌ی سازمان تجارت جهانی، جانشین گروه تجارت و محیط زیست «گات» گردید. با تأسیس کمیته‌ی تجارت و محیط زیست، مباحثات جدی و شفاف پیرامون تجارت و محیط زیست در سازمان تجارت جهانی آغاز گردید. از جمله مسئولیت‌های این نهاد، بررسی موارد زیر است:

- شناسایی رابطه‌ی میان اقدامات تجاری و زیست محیطی به منظور ارتقای توسعه‌ی پایدار.
- ارائه‌ی توصیه‌های مناسب در مورد اصلاحاتی که لازم است در مقررات نظام تجاری چندجانبه به عمل آید، به ویژه انجام اصلاحات زیر:

- تدوین قواعدی که روابط متقابل مؤثر میان اقدامات تجاری و زیست محیطی را افزایش دهد.
- اجتناب از اقدامات تجاری حمایت‌گرایانه و پیروی از مقررات چندجانبه‌ی مؤثر به منظور تضمین پایداری نظام تجاری جمعی به اهداف زیست محیطی مقرر در دستور کار شماره‌ی ۲۱ «اعلامیه‌ی ریو» به ویژه اصل ۱۲ آن اعلامیه.

- نظارت و بازبینی اقدامات تجاری که برای اهداف زیست محیطی به کار گرفته می‌شود و نیز نظارت بر جنبه‌های تجاری اقدامات زیست محیطی و اجرای مؤثر مقررات چندجانبه‌ی حاکم بر آن اقدامات.

کمیته به مثابه مکان دائمی تبادل نظر شفاف و بی‌پرده درباره‌ی مسائل مرتبط با تجارت و محیط زیست می‌باشد و از آنجایی که در سایر موسسات و سازمان‌های بین‌المللی توجه کافی به تنش میان مسائل اقتصادی و زیست محیطی نشده است^۱، وجود چنین نهادی در سازمان تجارت جهانی برای

۱. برای مثال می‌توان از مؤسسات بین‌المللی نام برد که در زمینه‌ی مسائل زیست محیطی فعالیت می‌نمایند، از قبیل برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) و کمیسیون سازمان ملل در مورد توسعه‌ی پایدار و... که هیچ یک در سال‌های اخیر، بحث جدی پیرامون مسائل تجارت و محیط زیست ارائه نداده‌اند.

حفاظت از محیط زیست با ارزش و مهم است. اما متأسفانه کمیته تاکنون به تصمیمات مهمی دست نیافته و نتایج تحلیلی آن نیز ضعیف بوده است.

شاید یکی از دلایل ضعف عملکرد کمیته این باشد که هرچند از این نهاد خواسته شده تا اکثر مسائل کلیدی مربوط به تجارت و محیط زیست را بررسی نماید، اما هیچ‌گونه تلاشی در راستای گسترش مشارکت آن نهاد نسبت به سلفش (گروه تجارت و محیط زیست گات) صورت نگرفته است. برای مثال عدم دعوت از وزرا یا مسئولان محیط زیست کشورها برای شرکت در مذاکرات کمیته (اگرچه برخی از کشورها به صورت خود جوش مبادرت به اعزام وزرای خود جهت شرکت در جلسات کمیته نمودند)، و یا عدم امکان اظهار نظر نمایندگان نهادها و سازمان‌های بین‌المللی زیست محیطی در جلسات کمیته از نشانه‌های عدم مشارکت و همکاری این سازمان با سایر نهادهای ملی و بین‌المللی مرتبط با مقوله‌ی محیط زیست است. در پی عملکرد ضعیف کمیته‌ی تجارت و محیط زیست، عده‌ای از تحلیل‌گران معتقدند که تصویب یک دستورکار جلسه‌ی دقیق‌تر و عمل‌گراتر به منظور روشن ساختن روابط میان تجارت و محیط زیست ضروری است؛ زیرا بعید است که کمیته با عملکرد کنونی خود قادر به حل تعارض میان تجارت و محیط زیست باشد (Shaffer, 2001, 85).

۲.۳. شورای عمومی سازمان تجارت جهانی

یکی از وظایف شورای عمومی سازمان تجارت جهانی، ایجاد ترتیبات مناسب برای همکاری مؤثر با سایر سازمان‌های بین‌المللی است. منظور سازمان‌هایی است که با مسائل تحت صلاحیت و حوزه‌ی کاری سازمان مرتبط‌اند. با توجه به صلاحیت و اختیار فوق‌الذکر، این شورا مبادرت به امضای موافقت‌نامه‌ی‌های همکاری با بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی مالکیت معنوی نموده و هم‌چنین یک تفاهم‌نامه با کنفرانس تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد نیز امضا کرده است. اما متأسفانه تاکنون سازمان تجارت جهانی اقدام به انعقاد هیچ موافقت‌نامه‌ی همکاری با مؤسسات و نهادهای زیست محیطی ننموده است.^۱ استفاده نکردن از

۱. در سال ۱۹۹۵، دبیر کل سازمان تجارت جهانی اقدام به تبادل اسناد همکاری با دبیر کل سازمان ملل متحد نمود، اما هیچ‌گونه موافقت‌نامه‌ی رسمی با برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد یا سایر مؤسسات و نهادهای بین‌المللی زیست محیطی منعقد نشده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به

WTO, Press Release, WTO Press 154, Elements of Cooperation Between the WTO and UNEP, 29 Nov. 1999.

این سازوکار مقرر در سازمان برای حصول به همکاری با نهادهای زیست محیطی، گویا خلایق کارکردی است که نشان می‌دهد سازمان هنوز مسائل زیست محیطی را به عنوان مسائل تحت صلاحیت و حوزه‌ی کاری خود به رسمیت نشناخته است.

۳.۳. اقدامات مقرر در فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

منظور از اقدامات مقرر در فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، اقداماتی است که در صورت عدم تبعیت دولت محکوم علیه از حکم صادره علیه کشور متخلف اعمال می‌گردد. طرف دیگر اختلاف که حکم به نفع او صادر شده، می‌تواند اقدام به تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در سازمان تجارت جهانی در برابر دولت محکوم علیه نماید. اگرچه بسیاری از مفسران این نوع جبران را اقدام متقابل نامیده‌اند، اما در معاهده‌ی سازمان از این اصطلاح نامی به میان نیامده است. نمونه‌ی این روش‌های جبرانی را می‌توان در قضیه‌ی هورمون‌ها مشاهده نمود که در نتیجه‌ی عدم تبعیت جامعه‌ی اروپا از حکم صادره توسط دادگاه، آمریکا و کانادا مبادرت به وضع تعرفه صد درصدی علیه طیف گسترده‌ای از کالاهای وارداتی از جامعه‌ی اروپا نمودند. بنابراین اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند از آثار زیست محیطی مجازات‌های تجاری (که طبق ساختار آن سازمان مجاز می‌باشند)، به عنوان ابزاری در راستای حفاظت از محیط زیست بهره‌گیرند.

۳.۴. مقررات مربوط به عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی

بر اساس مقررات مربوط به عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی، کشورهایی که از اعضای اصلی این سازمان محسوب نمی‌شوند، می‌بایست از طریق مذاکرات الحاق به عضویت آن درآیند.

بنابراین، کشوری که خواستار عضویت در این سازمان است، تنها بر اساس شرایطی که به توافق آن کشور و سازمان برسد، می‌تواند به عضویت سازمان درآید (ماده‌ی ۱۲ موافقت‌نامه‌ی مراکش). مقرره‌ی مزبور مشخص می‌سازد که اختیار و صلاحیت تعیین شرایط عضویت بر عهده‌ی سازمان مزبور است فلذا کشور خواستار الحاق می‌بایست شرایط ارائه شده توسط سازمان را بپذیرد؛ به دلیل موقعیت خاص سازمان تجارت جهانی در اقتصاد جهان و با توجه به این که آن سازمان تنها نهاد تنظیم‌کننده‌ی روابط تجاری در سطح بین‌المللی است و از آنجایی

که امروزه تقریباً هر کشوری خواستار عضویت در سازمان تجارت جهانی است، لذا سازمان از اهرم اعمال فشار قابل ملاحظه‌ای در مذاکرات الحاق برخوردار است و می‌تواند از قدرت و نفوذ خود در راستای حصول به اهدافش بهره جوید.

در شرایط مطلوب آرمانی، سازمان تجارت جهانی باید از ابزارها و اهرم‌های فشار خود برای حصول به اهدافی که سود و منفعت عمومی به دنبال دارند، استفاده نماید. هرچند تفکیک اهداف عمومی از خصوصی همواره کار آسانی نیست، اما متأسفانه سازمان تجارت جهانی تاکنون چندان از این قدرت خود در راستای منافع عمومی استفاده ننموده است. برای مثال در مذاکرات مربوط به الحاق چین (که گسترده‌ترین مذاکرات صورت گرفته تاکنون بود)، سازمان می‌توانست از قدرت چانه‌زنی خود برای متقاعد و مجبور ساختن چین به بهبود رویه‌های تجاری‌اش استفاده نماید تا از این طریق گامی در جهت کاهش آثار سوء زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های تجاری چین برداشته باشد. اما قصور سازمان در این حیطه نیز به ضرر سیاست‌های زیست محیطی تمام شد. این خلاء خود، ضرورت انجام مذاکرات الحاق با رویکرد زیست محیطی و در راستای حمایت بیشتر از محیط زیست را آشکار می‌سازد.

۴. جایگاه مناسب برای محیط زیست در سازمان تجارت جهانی

رابطه‌ی میان تجارت و محیط زیست، رابطه‌ای پیچیده و چند بعدی است، لذا می‌توان از منظرهای مختلف به آن نگریست و آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. با توجه به چندبعدی بودن مسئله، یافت راه حلی برای آن کار ساده‌ای نبوده و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای آن پیچید. از زمان مطرح شدن بحث روابط متقابل میان تجارت و محیط زیست و به تبع آن جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، نظرات مختلفی در مورد این روابط چه از سوی طرفداران محیط زیست و یا تجارت آزاد مطرح شده است. در گذشته، غالب طرفداران محیط زیست نسبت به سازمان تجارت جهانی دیدگاهی تدافعی داشته‌اند و بیشتر روی این موضوع بحث می‌نمودند که آیا اقدامات زیست محیطی بر اساس قواعد سازمان مزبور مجاز است یا خیر. اما آنچه که امروزه ضرورت دارد و طرفداران محیط زیست باید تمرکز خود را به آن معطوف نمایند، مهار قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی در راستای حمایت از محیط زیست و توسعه‌ی پایدار است. در مجموع نسبت به جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، سه رویکرد عمده وجود دارد، که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

رویکرد نخست (رویکرد اقتصاددانان و طرفداران تجارت آزاد)

این رویکرد که عمدتاً توسط اقتصاددانان مطرح گردیده، سازمان تجارت جهانی را سازمانی می‌داند که هدف آن صرفاً تجارت آزاد و تسهیل مبادلات میان کشورها در راستای دسترسی هرچه بیشتر به بازار است. طبق این رویکرد، حتی رویه‌ی کنونی سازمان تجارت جهانی در خصوص مسائل زیست محیطی، سبب انحراف این سازمان از مأموریت و اهداف اصلی خود گردیده است. برای نمونه «رابرت استایگر» (Staiger, 2004, 11) معتقد است که سازمان تجارت جهانی می‌بایست تجارت را از سایر مسائل و موضوعات غیر تجاری جدا نموده و مجدداً روی هدف اصلی خود که همان «تجارت آزاد و تضمین دسترسی به بازار» است، متمرکز گردد. اما از نظر نگارنده انتقاداتی چند بر این رویکرد وارد است. از جمله این که:

- با توجه به حرکت شتابنده‌ی جامعه‌ی جهانی به سمت جهانی شدن و تبدیل بسیاری از مسائل از جمله محیط زیست به مسائل و دغدغه‌های جهانی، تلقی کردن سازمان تجارت جهانی به مثابه یک سازمان صرفاً تجاری دیدگاه صحیحی نیست، زیرا این سازمان لاجرم با مسائل زیست محیطی درگیر و مرتبط است.

- پذیرش رویکرد فوق به منزله‌ی پذیرش نادرست تفوق و برتری تجارت بر محیط زیست خواهد بود که این امر، سازمان تجارت جهانی را قادر به مخالفت با اقدامات زیست محیطی با توسل به حربه‌ی تجارت می‌سازد، بدون آن که مسئولیتی را متوجه آن سازمان نماید.

رویکرد دوم (رویکرد پیوند و رابطه)

این رویکرد به تعامل مسائل تجاری با محیط زیست می‌پردازد (Alvarez, 2002, 146). مطابق این دیدگاه؛ هدف نظام تجاری، آزادسازی تجارت است و نه محیط زیست، بنابراین مسائل زیست محیطی تنها در صورت داشتن ارتباط و پیوند با تجارت می‌توانند به نظام تجاری راه یابند. اکثر تجزیه و تحلیل‌هایی که طبق این دیدگاه ارائه می‌شود، روی تنش‌هایی که میان این دو حوزه (تجارت و محیط زیست) وجود دارد، متمرکز شده است. از جمله این که چگونه یک سازمان تجاری می‌بایست با محیط زیست به عنوان موضوعات غیر تجاری برخورد نماید.

ایراد وارده بر رویکرد حاضر این است که، تجارت و محیط زیست را به عنوان مسائل «جایگزین» تلقی نموده است.

کشورهای عضو «WTO» تحت تأثیر این رویکرد، به مسائل زیست محیطی و وارد نمودن آن مسائل در حوزه‌ی صلاحیت سازمان، تمایلی نشان نمی‌دهند؛ زیرا گمان می‌کنند که در صورت توجه به مسائل زیست محیطی، منافع تجاری آن‌ها به خطر می‌افتد. این در حالی است که این دو مقوله در واقع مکمل یکدیگرند و نه جایگزین هم.

به همین دلیل است که هرچند قریب به دو دهه از مباحثات پیرامون مناسبات میان سیاست‌های تجاری و زیست محیطی می‌گذرد^۱، اما رویه‌ی دولت‌ها نشان‌دهنده‌ی پیشرفت چشمگیری در تنظیم سیاست‌های تجاری و زیست محیطی «مکمل» نیست.

رویکرد سوم (رویکرد طرف‌دارن محیط زیست)

حامیان این رویکرد معتقدند سازمان تجارت جهانی باید یک سازمان زیست محیطی باشد. یکی از دلایلی که طرف‌داران این دیدگاه برای نظر خود بیان می‌کنند این است که قواعد مشخصی از این سازمان (به طور مشخص، ضوابط زیست محیطی این سازمان) بخشی از حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شوند.

این رویکرد به صراحت توسط سازمان تجارت جهانی رد شده است. دبیرکل سازمان در مقاله‌ای تحت عنوان "تجارت و محیط زیست در سازمان تجارت جهانی" به تشریح و بیان شفاف سیاست کنونی سازمان پرداخته است، وی در یکی از فرازهای این مقاله بیان می‌دارد:

"یکی از شاخص‌های بحث درباره‌ی تجارت و محیط زیست این است که سازمان تجارت جهانی یک سازمان زیست محیطی نیست" (http://...wto2004_e.pdf).

در همین راستا، می‌توان به گزارش کمیسیون «ساترلند» اشاره نمود. این گزارش در عین این که تجارت را عاملی مهم در نیل به اهداف توسعه می‌داند، تصدیق می‌نماید که «WTO» یک سازمان توسعه‌ای محسوب نمی‌شود (Peter Sutherland, 2005, 269).

بنابراین هرچند رویکرد سوم رویکردی مطلوب از نظر طرف‌داران محیط زیست است، اما تاحدی آرمانی بوده و اجرای عملی آن با توجه به مخالفت‌های موجود در سازمان تجارت جهانی، بسیار مشکل و یا حتی غیر ممکن خواهد بود.

۱. در سال ۱۹۹۲ دستور کار ۲۱ بیان داشت که جامعه‌ی بین‌المللی می‌بایست از جمله تضمین نماید که سیاست‌های تجاری و زیست محیطی به منظور حصول به توسعه‌ی پایدار متقابلاً از یکدیگر پشتیبانی نمایند. عبارت فوق در سایر کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی بعدی نیز تکرار شده است.

۴.۴. رویکرد پیشنهادی (سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمانی چند کارکردی)

در عصر حاضر تلقی سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سازمان صرفاً تجاری امکان پذیر نیست، زیرا مسائل متعدد غیر تجاری یا به درون نظام تجاری رخنه کرده‌اند (برای مثال حقوق مالکیت معنوی) و یا مانند مسائل زیست محیطی و حقوق بشر در حال نفوذ به درون نظام تجارت جمعی هستند. از سوی دیگر قلمداد کردن «WTO» به عنوان سازمانی زیست محیطی نیز گزینه‌ای آرمانی بوده و خالی از عیب و نقص نیست، به کارگرفتن رویکرد پیوند و رابطه نیز گره‌ای از مشکلات مربوط به روابط تجارت و محیط زیست نگشوده است؛ زیرا هنوز دولت‌ها درباره‌ی این که چگونه می‌توان سیاست‌های تجاری و زیست محیطی را به نحوی که متقابلاً پشتیبان هم باشند تنظیم و اجرا نمود، پیشرفت چشم‌گیری نداشته‌اند.

با این اوصاف، به منظور نیل به سیاست‌های زیست محیطی و تجاری مکمل، ایجاد اصلاحات در ساختار سازمان تجارت جهانی به گونه‌ای که آن سازمان را تبدیل به سازمانی با اهداف چندگانه نماید (سازمان چند کارکردی)، مناسب به نظر می‌رسد. همان‌گونه که در اعلامیه‌ی کنفرانس پارلمانی WTO در سال ۲۰۰۳ نیز بیان شده است، سازمان تجارت جهانی به سرعت در حال تبدیل شدن به سازمانی بیش از یک نهاد تجاری صرف است (IPU, P.8).

با اعمال این پیشنهاد، محیط زیست و توسعه‌ی پایدار از عباراتی تزئینی و بدون کاربرد در مقدمه‌ی سازمان تجارت جهانی به بخشی از اهداف آن سازمان تبدیل گردیده و سازمان در قبال مسائل زیست محیطی مسئول و پاسخ‌گو خواهد بود. زیرا بدیهی است که برخورداری از اختیار و صلاحیت انجام اقدامات زیست محیطی بدون وجود مسئولیت در قبال حصول به نتایج زیست محیطی مشکل‌آفرین خواهد بود. بدین ترتیب بسیاری از چالش‌ها و تعارضات زیست محیطی موجود در رویه و عملکرد سازمان تجارت جهانی نیز مرتفع می‌گردد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلایل انکار مسائل زیست محیطی به عنوان بخشی از اهداف سازمان تجارت جهانی، اجتناب از مسئولیت بین‌المللی در قبال مسائل زیست محیطی باشد؛ بنابراین راه حل این است که سازمان تجارت جهانی به گونه‌ای اصلاح گردد که احساس مسئولیت و پاسخ‌گویی بیشتری نسبت به مسائل زیست محیطی داشته باشد. برای حصول به این هدف باید بر ساختارهای گذشته غلبه کرد. منظور ساختارها و قالب‌هایی است که یک سازمان بین‌المللی کارکردی را، صرفاً سازمانی با هدف واحد می‌داند. منظور این است که سازمان تجارت جهانی می‌باید به یک سازمان چند کارکردی که یکی از کارکردهای آن محیط زیست است، تبدیل

شود. با توجه به سابقه‌ی سازمان مزبور در مورد حقوق مالکیت معنوی و تدوین یک موافقت‌نامه برای تنظیم جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی، حصول به این هدف چندان مورد انتظار نیست. بنابراین می‌توان از همین الگو در زمینه‌ی محیط زیست بهره جست. در این جا لازم به ذکر است که منظور ما از قائل شدن کارکرد زیست محیطی برای سازمان تجارت جهانی، کنار گذاشتن اصل تخصصی شدن سازمان‌ها و تخصص‌گرایی نیست. خوشبختانه، نشانه‌هایی از رویکرد فوق را می‌توان در سخنان دبیرکل سازمان تجارت جهانی نیز ملاحظه کرد، ایشان معتقد است که توسعه‌ی پایدار خود به تنهایی هدف نهایی سازمان بوده و هماهنگ ساختن سیاست‌های تجاری و زیست محیطی از جمله مواردی است که سازمان تجارت جهانی نسبت به آن مسئولیت دارد (Lamy, 2005).

نتیجه

سخن گفتن درباره‌ی جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی موضوعی پیچیده و چند بعدی است که صرفاً با یک مقاله نمی‌توان تمامی ابعاد آن را بررسی کرد و روشن نمود. لذا در این مقاله سعی شد تا به جایگاهی که هم اکنون محیط زیست در سازمان تجارت جهانی دارد و نیز جایگاهی که می‌تواند و باید داشته باشد، فراخور بضاعت یک مقاله پرداخته شود. نزدیک به چهاردهه است که این بحث در جوامع علمی مطرح شده و نظرات مختلفی در پیرامون آن، خواه از جانب طرفداران نظام تجارت آزاد و خواه طرفداران محیط زیست، بیان شده است.

جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی به مرور زمان سیر تکاملی داشته است، اگرچه هنوز به جایگاه شایسته‌ی خود دست نیافته، اما نمی‌توان چشم بر پیشرفت‌های صورت گرفته به ویژه در مقایسه با سلف این سازمان (موافقتنامه‌ی گات) نیز فرو بست. در سال ۱۹۹۴ که شالوده‌ی سازمان شکل می‌گرفت، آنچه مورد توجه موسسان آن بود، ایجاد سازمانی تجاری با هدف آزاد سازی تجارت بود. به همین دلیل مسئله‌ی محیط زیست یا در قالب استثنائات کلی (برای مثال بندهای "ب" و "ز" ماده‌ی ۲۰ «گات» و نیز بند "ب" ماده‌ی ۱۴ موافقتنامه‌ی «گتس») بیان شد و یا در شکل قواعدی هرچند اصلی، اما همراه با قید و بندهای فراوان به همراه خلاءهایی که باید مرتفع گردد، نمود یافت. در همان زمان در مقدمه‌ی موافقت‌نامه؛ موسس این سازمان از توسعه‌ی پایدار و محیط زیست به عنوان منفعت

جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی ۲۳۳

مشترک خود یاد نموده است. سپس در سال ۱۹۹۸ رکن پژوهش به مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ی مراکش جان تازه‌ای بخشید و در سال ۲۰۰۱ در کنفرانس وزرای دوحه، ضرورت‌های حیات بین‌المللی سبب شد تا مذاکرات جدیدی با دستور کار "تجارت و محیط زیست" آغاز شود. با تمامی تحولات به عمل آمده، به نظر می‌رسد آن‌چه می‌تواند جایگاه شایسته‌ی محیط زیست را در سازمان تجارت جهانی محقق نماید؛ این است که «WTO» تبدیل با سازمانی چند کارکردی و با اهداف چندگانه شود که یکی از کارکردها و اهداف آن محیط زیست باشد. این طرز تلقی می‌تواند اثر مهمی بر نحوه‌ی نگرش، تفسیر و برداشت ارکان مختلف این سازمان نسبت به مقوله‌ی محیط زیست داشته باشد و بسیاری از خلاءهایی که به آن اشاره شد را مرتفع سازد؛ زیرا از این طریق محیط زیست جزء یکی از اهداف سازمان تجارت جهانی محسوب شده و سازمان نسبت به اجرای آن دارای مسئولیت خواهد بود.

منابع

- AB, European Communities- Measures Affecting Asbestos and Asbestos Containing Products, WT/DS 135/AB/R, 12 March 2001, Para. 172.
- AB, United States-Standards for Reformulated and Conventional Gasoline, WT/DS 2/AB/R, 20 May 1996, Para. 21.
- Agreement on Agriculture, (15 April 1995), Annex 1A.
- Agreement on Technical Barriers to Trade, (1994).
- Agreement on Technical Barriers to Trade, (1994), Annex.
- Agreement on Technical Barriers to Trade, (1994), Art 2/4.
- Alexander, Daniel, (1993),” Some Themes in Intellectual Property and the Environment”, Review of European Community and International Environmental Law, No. 2, P. 117.
- Alvarez, Jose, E., (2002), *The WTO as Linkage Machine*, American J. Int’ L, 96(1), P 146.
- Ansari, Abdul Haseeb, (2007), “Trade and Environment”, The Indian Journal of International Law, Vol. 47, P. 387.
- Annual Report by the Director General, Over View of Development in the International Trading Environment, WTO, Publications, Geneva, 2004.
- EPPs, Tracy, (2008), “Reconciling Public and WTO Rules under the SPS Agreement”, World Trade Review, Vol. 7, P.382.
- GATT, (1947), 55 U.N.T.S. 194, Art XX.
- GATT, (1971), “Industrial Pollution Control and International Trade”, GATT Studies in International Trade No. 1 (Geneva: GATT Secretariat).
- General Agreement on Trade of Services, WTO Agreement, (15 April 1994), Annex 1B(GATS).
- Havana Charter for an International Trade Organization, 24 March 1948, 55 U.N.T.S., 187.
- Havana Charter for an International Trade Organization, 24 March 1948, art. 45 (1)(a) (x).
- Helfer, Laurence R., (2004) , *Mediating Interactions in an Expanding International Intellectual Property Regime*, Case W. Res. J. Int’ Law, 36(1), P. 131.

- Hilf, Power, (2001), *Rules and Principles Which Orientation for WTO/GATT Law?* JIEL, P 128.
- Lamy, Pascal, (Oct. 2005), *Trade Can be a Friend not a Foe of Conservation*, (Address To WTO Symposium).
- Panel Report,(1990), *Canada-Measures Affecting Exports of Unprocessed Herring and Salmon*, 22 March 1998, L/6268/355/98.
- Panel Report, “Thailand-Restriction on the Importation of and Internal Taxes on Cigarettes”, B/SD375/200, 7 Nov, Para. 74.
- Parliamentary Conference on the WTO, Geneva, , IPU Press Release, 17 and 18 February, 2003 at <http://www.ipu.org/splz-e/trade03.htm>
- Peter Sutherland et. al., *the Future of the WTO*, Geneva WTO, 2005, P. 269.
- Shaffer, Gregory C.,(2001), “The World Trade Organization Under Challenge: Democracy and the Law and Politics of WTO’s Treatment of Trade and Environment Matters *Harvard Environmental Law Review*”, Vol. 25, p. 93.
- Shaffer, J. C., (2001), “The WTO Under Challenge, *Harvard Environmental Law Review*”, Vol. 25, P. 85.
- Staiger, Robert, W., (2004), *Report on the International Trade Regime for the International Task Force on Global Public Goods*, The University of Wisconsin and NBER, P. 11.
- Steward, Terence P. and Johanson, David, S.(2003), “A Nexus of Trade and Environment”, *Colorado of International Environment Law and Policy*, Vol. 14, P. 43.
- Sutherland, Petter, (2005), *Report on the Future of WTO*, World Trade Organization Publication, Geneva, 8 January.
- The Agreement on the Application of Sanitary and Phyto Sanitary Measures (SPS), (15 April 1994), WTO Agreement, Annex 1A.
- United States, (1998), *Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products*, WTO Doc. WT/DS58/AB/R(Appellate Body Report).
- United States, (1998), *Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products*, WTO Doc. WT/DS58/AB/R, Para 129.
- WTO, (1994), Online: WTO http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e27-trips-01-e.html, 15 April.
- WTO, Doc. (1998), *Australia Measures Affecting Importation of Salmon*, WT/DS18/AB/R, Para. 199 (Appellate Body Report).

- WTO, Online:(1994) <http://www.wto.org/english/docs_e/04-wto_e.htm>.
- WTO, The Environment: A new high profile, Online: WTO <http://www.wto.org/wnglish/thewto_e/whatis_e/bey2_e.htm>.